

# شمس و طغرا

نویسنده:

محمد باقر میرزا خسروی

سرشناسه:	میرزا خسروی ، محمدباقر ۱۲۵۱ - ۱۳۱۶ .
عنوان و نام پدیدآور:	شمس و طغرا / نویسنده: محمدباقر میرزا خسروی
مشخصات نشر:	تهران: پر، ۱۳۹۴ .
مشخصات ظاهری:	۸۸۰ ص .
شابک:	978-964-8007-84-8
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع :	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره :	۱۳۹۴۵/۷۴۴۱ PIR ۸ ش
رده بندی دیویی :	۶۲/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی :	۳۹۷۱۳۴۸

## انتشارات پر

- نام کتاب: شمس و طغرا
- نویسنده: محمدباقر میرزا خسروی
- صفحه آرای: منیر علیزاده
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۷-۸۴-۸ ISBN: 978-964-8007-84-8

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳  
 تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

## سخن ناشر

کتابی که در حال حاضر مطالعه می‌فرمایید با نام شمس و طغرا نوشته‌ی محمدباقر میرزا خسروی، به عنوان نخستین رمان پرتطرفدار تاریخی ایرانی، در دوره‌ی مشروطیت مطرح و معروف گردید که در آن نویسنده زمینه‌هایی چون شکست انقلاب مشروطه، مخالفت با هجوم فرهنگ بیگانه، تأیید ضمنی دستگاه حاکم و... را نشانه گرفته است و پذیرش آن از سوی جریان‌های فرهنگی و ادبی باعث شد تا از زمان تألیف این داستان در سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۰ شمسی سبک و سیاق نوشتاری مؤلف به صورت یکی از گونه‌های رایج داستان نویسی ایران درآید.

محمد باقرمیرزا کرمانشاهی، متخلص به خسروی، نویسنده‌ی رمان عاشقانه و پرجذبه‌ی شمس و طغرا، از نوادگان فتحعلی شاه قاجار و فردی دارای تمایلات غرب‌زدگی معتدل، مشروطه‌خواه و از طرفداران آزادی‌خواهی مدرن و ناسیونالیسم تقلیدی بوده است و به همین جهت این کتاب به عنوان اولین رمان فارسی با سبکی رمانتیک و دارای خصایص رمانس‌های قرون وسطایی به شمار می‌آید که بر پس‌زمینه‌ی از تاریخ دوره ایلخانان مغول اشاره دارد.

موضوع کتاب مربوط به دوران بیست و چهار ساله‌ای از قرن هفتم و مصادف با دوران پرآشوب مغول و حکومت مهدعلیا آیش خاتون است، و با این‌که زمینه‌ی اثر، تاریخی است، مؤلف آن را با روایت داستانی عاشقانه و گیرا، که سرشار از ماجراهای هیجان‌آفرین است همراه کرده است. قهرمان اصلی این رمان، شمس یا شمس‌الدین یکی از شاهزادگان خاندان اتابکان فارس است که دلدادگی شورانگیز او به دختر امیر مغول، التاجو بهادر، و

مخالفتش با سلطه‌ی مغول بر ایران باعث ایجاد صحنه‌های پرهیجان احساسی و اجتماعی گردیده است.

زمان وقوع داستان سال‌های حکومت آبش‌خاتون در شهر شیراز است و نویسنده به تبعیت از سیر داستان و حوادث آن، برخی وقایع شهرهای کرمان، ساوه، گیلان، آتن، دمشق و بغداد را نیز شرح داده و نکات فرهنگی جالبی را مطرح می‌سازد و این امر باعث شده بعضی منتقدان شمس و طغرا را اثری دیگر از مضمون رومئو و ژولیت در ادبیات غرب به شمار آورند.

نثر این کتاب ساده و روان، از سویی ادامه‌ی داستان عیاری فارسی مانند سمک عیار و امیر ارسلان است و از سوی دیگر، از رمان‌های الکساندر دوما و جرجی زیدان متأثر شده، هم از اغراق‌های آن قصه‌ها نشان دارد و هم از حادثه‌پردازی‌های محصور در چارچوب طرح این رمان.

خسروی در بیان کیفیت تصنیف این داستان می‌گوید: «این کتاب، تاریخ مجملی است از وقایع بیست و چهار ساله‌ی فارس در زمان پادشاهی آبش‌خاتون، آخر اتابک از سلسه‌ی سلغریان و هر مطلب تاریخی و جغرافی که در آن درج نموده، از هر کتاب که التقاط شده، یک حرف از نام آن کتاب را در آغاز آن مطلب، از بهر علامت می‌نگارد که هرگاه بخواهند، به آن کتاب رجوع فرمایند».

پردازش خوب قصه با جذابیتی خاص برای خوانندگان باعث شده بعد از سال‌ها که از انتشار این رمان می‌گذرد، همچنان تازگی خود را حفظ کرده و جزو رمان‌های پرفروش ایرانی باشد.

**زمستان ۱۳۹۴**

شیراز شهری است اسلامی، مرکز استان فارس، که در سال هفتاد و چهار هجری، محمد بن یوسف ثقفی برادر حجاج معروف والی عراق، بر آن فرمانروایی کرد و شیراز را در نه فرسنگی شهر استخر، پایتخت فارس آن زمان، بنا کرد.

او آن جا را آباد و دایر کرد و اندک اندک استخر خراب و شیراز آباد شد.

پس از آن که در سلطه خلفای بنی عباس ضعیفی پیدا شد و در هر یک از ممالک اسلام امیری دم از استبداد و استقلال زد، چندین طبقه سلاطین و حکمرانان در شیراز بر مسند فرمانروایی و پادشاهی نشستند که گاه مستقل بوده اند و گاه در فرمان شاهنشاهان بزرگ ایران، یک سلسله مشهور از سلاطین فارس، اتابکان سلغری بوده اند، از نژاد سلغر ترکمان. این شخص در آغاز ظهور کوکب اقبال سلجوقیان با حشم و عشیره خود در رکاب آل سلجوق به ایران آمد و بر این سرزمین وارد شد. آنان در ارجان (بهبهان) و اهواز سکنی گزیدند و صاحب شوکت و اقتدار گشتند، اول کسی که از آن ها به درجه امارت و سلطنت رسید سقر بن مودود ملقب به مظفرالدین بود که بر ملک شاه سلجوقی قیام کرد. او ملک فارس را به تصرف خود درآورد و تشکیل سلطنتی از بهر اولاد و اعقاب خود داد. آخرین نفر از سلسله اتابک مهد علیا آبش خاتون دختر اتابک سعد بن ابی بکر بن سعد بن زنگی بن مودود سلغری بود، که از ترکان خاتون خواهر علاءالدوله، اتابک یزد، به وجود آمده بود و هلاکوخان مغول مشهور به ایلخانی شاهنشاه ایران این خاتون را که در اصالت و جاهت بی نظیر بود به همسری پسر خود منکو تیمور اغل درآورده بود.

چون پس از قتل سلطان سلجوق سلغری - به شرحی که از این پس خواهد آمد - مرد ذکوری از خاندان آل زنگی که قابل این مقام باشد باقی نمانده بود، مردم فارس استدعا کردند که آبش خاتون را پادشاه سازند، هلاکوخان ایلخانی پذیرفت و آبش خاتون را لقب آقا بیکی داد و به شیراز فرستاد لیکن پس از وفات اتابک ابوبکر بن سعد که کار مملکت فارس آشفستگی پیدا کرده و اتابکان پس از او ضعیف گشته بودند از اردوی ایلخانی (یعنی دربار شاهنشاه مغول) امیری با یک عده سوار مغول و یک تن ممیز مالیاتی برای حفظ نظم ولایت و وصول اموال دیوانی به شیراز فرستاد.